

## ضمانت اجرای رعایت حقوق دفاعی در مرحله تحقیقات مقدماتی

امین جلیلی (نویسنده مسئول)

دانش آموخته کارشناسی ارشد حقوق جزا و جرم شناسی، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه شیراز، شیراز، ایران.

مهدی قربانی ورزردی

دانش آموخته کارشناسی ارشد حقوق جزا و جرم شناسی، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه شیراز، شیراز، ایران.

سجاد عظیمی نژادیان

دانش آموخته کارشناسی ارشد حقوق جزا و جرم شناسی، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه شیراز، شیراز، ایران.

### قابل انتشار در دوره ۲۵ شماره ۶۵ (بهار ۱۴۰۵) نشریه پژوهش‌های حقوقی

#### چکیده

مرحله تحقیقات مقدماتی یکی از مهم‌ترین مراحل دادرسی کیفری در نظام‌های رسیدگی حاکم بر دعاوی است. این مرحله بدان جهت واجد اهمیتی وافر است که مهم‌ترین دلایل ارتکاب و وقوع جرائم طی آن تحصیل خواهند شد، لذا دلایل تحصیل شده در این مرحله می‌توانند در سرنوشت پرونده نقشی بنیادین را ایفا نمایند. نگارنده نخست با برشمردن انواع نظام‌های حقوقی حاکم بر مرحله تحقیقات مقدماتی درصدد برآمده تا از این طریق شناخت هر چه‌بختی از نظام کنونی حاکم بر مرحله تحقیقات مقدماتی دستگاه قضایی جمهوری اسلامی ایران به دست دهد. در گام دوم، انواع ضمانت اجرای محسوس و مستور در قوانین از جمله مجازات‌های کیفری، انتظامی، مدنی و بطلان تحقیقات در صورت نقض حقوق دفاعی مورد واکاوی قرار گرفت که ماحصل تأمل در قواعد حاکم بر دادرسی محاکم دستگاه قضایی جمهوری اسلامی ایران جز در برخی موارد نادر از جمله اقرار تحت شکنجه، نگارنده را بدین نتیجه رهنمون نمود که واضعان قوانین در صورت نقض حقوق دفاعی افراد مظنون و متهم توسط مقامات قضایی و انتظامی در مراحل تحت نظر و تحقیقات مقدماتی تنها اکتفای بر تعیین و اعمال کیفر بر ناقضین حقوق دفاعی نموده و کمتر التفات و اعتقادی به قاعده مهم و مؤثر بطلان تحقیقات داشته‌اند که البته علت اتخاذ رویکرد مشروح را می‌توان پذیرش حاکمیت ضوابط نظام رسیدگی نفتیشی در مرحله تحقیقات مقدماتی بیان داشت به سیاقی که هدف کشف حقیقت، طُرق دستیابی بدان را توجیه می‌نماید.

کلیدواژه: تحقیقات مقدماتی، حقوق دفاعی، ضمانت اجرا، افراد متهم، عدالت.

دخالت دولت در رفع تنازعات مابین افراد جامعه در دوران تاریخ سیری صعودی داشته است. مثبت این مدعا، تسلط آداب و رسوم قبایل و گروه‌های ذی‌نفوذ بر قدرت دولت‌ها در پیاده نمودن عدالت در گذشته بوده است. افزایش قدرت دولت‌ها سبب شد تا واکنش‌های انتقام جویانه افراد که در بیشتر موارد جان انسان‌های بی‌گناه را قربانی مقاصد خود می‌کرد، کم‌کم جای خود را به واکنش‌های فردی متناسب با جرم دهند. امروزه نقش مثبت دخالت دولت‌ها در رسیدگی به تنازعات میان افراد جوامع برکسی پوشیده نیست. در این میان، آنچه در زیست جهان کنونی بیش‌ازپیش واجد اهمیت بوده، چگونگی انجام تحقیقات مقدماتی و حقوق دفاعی افراد متهم در چرخه قضایی نظام‌های حاکم بر رسیدگی است. عدم تحلیلی مناسب در چگونگی نحوه کارکرد دستگاه قضایی در باب رسیدگی به دعاوی مطرح در جامعه، خود می‌تواند موجبات بی‌عدالتی را سبب گردد. نگارنده، جهت وضوح موضع خود مختصراً در ذیل ابتدا توضیحاتی را در باب انواع نظام‌های حقوقی در مرحله تحقیقات مقدماتی، نظام حقوقی حاکم بر چرخه قضایی ایران در مرحله تحقیقات مقدماتی، حقوق دفاعی در نظر گرفته‌شده برای افراد مظنون و متهم در مراحل تحت نظر و تحقیقات مقدماتی و نهایتاً انتقادات خویش را نسبت به ضمانت اجرای در نظر گرفته در صورت نقض حقوق دفاعی در مرحله تحقیقات مقدماتی بیان می‌دارد.

### ۱) مرحله تحقیقات مقدماتی در چرخه قضایی

مرحله تحقیقات مقدماتی را می‌توان کلیدی‌ترین و مهم‌ترین مرحله از مراحل تحقق حقوق دفاعی متهم در دادرسی عادلانه دانست<sup>۱</sup> به‌نحوی که اگر در این مرحله تضمین‌های اساسی و مؤثری در راستای پیشگیری از نقض حقوق دفاعی لحاظ نگردد بدون شک نمی‌توان نظاره‌گر یک دادرسی عادلانه و به‌تبع آن صدور احکامی منصفانه را انتظار داشت.<sup>۲</sup> لذا آگاهی افراد متهم از حقوق دفاعی در مرحله تحقیقات مقدماتی نسبت به سایر مراحل با توجه به حساسیت ویژه این مرحله در کشف جرائم از اهمیت وافر برخوردار است.<sup>۳</sup> (اضافه نمودن مطالب به متن جهت وضوح اهمیت وافر مرحله تحقیقات مقدماتی نزد حقوقدانان نظام حقوقی کامن‌لا) تحقیقات دارای دو معنای عام و خاص است. در معنای عام هر نوع اقدام تحقیقی را که تا قبل از محاکمه صورت می‌پذیرد، پوشش می‌دهد و در معنای خاص به استناد ماده ۹۰ قانون آیین دادرسی کیفری، تحقیقات مقدماتی، مجموعه اقدامات قانونی است که از سوی بازپرس یا مقامات قضایی، برای حفظ آثار و علائم و جمع‌آوری ادله وقوع جرم، شناسایی، یافتن و جلوگیری از فرار یا مخفی شدن متهم انجام می‌شود.<sup>۴</sup> البته

<sup>۱</sup> Belanger. 1993: 331.

<sup>۲</sup> Sanderr. 2000: 17.

<sup>۳</sup> Willems. 2014: 184.

<sup>۴</sup> حیدری، «حقوق دفاعی متهم در دوران تحت نظر در قانون آیین دادرسی کیفری و بررسی تطبیقی با حقوق انگلستان»، ۲۸.

اظهار نظر بازپرس مبنی بر تحقق یا عدم تحقق جرم و انتساب یا عدم انتساب آن به متهم نیز که امکان تصمیم‌گیری در مورد ارسال پرونده به دادگاه را می‌دهد، جزئی از تحقیقات مقدماتی محسوب می‌گردد که در تعریف ارائه‌شده در ماده مذکور نیامده است.<sup>۵</sup> تحقیقات مقدماتی از یک سو از جهت تأثیر آنی و فوری آن و از سوی دیگر از جهت اثر نهایی و غایی آن دارای اهمیت وافری است. منظور از تأثیر آنی تحقیقات مقدماتی آن است که چگونگی برخورد و عملکرد ضابطان دادگستری و مأموران انتظامی در این مرحله تا حد زیادی، از یک سو بر روحیه مجرمین اثر می‌گذارد و می‌تواند به اصلاح یا تخریب آن‌ها منجر شود و از سوی دیگر در پیشگیری از جرم از ناحیه مرتکب و یا زیان‌دیده از جرم مؤثر باشد؛ اما اثر غایی و نهایی تحقیقات مقدماتی از این حیث واجد اهمیت است که در غالب بلکه تمامی موارد، اساس و پایه‌ی آرای صادره از محاکم کیفری را تحقیقات مقدماتی تشکیل می‌دهد.<sup>۶</sup>

## ۲) تحقیقات مقدماتی در کشورهای مبتنی بر نظام اتهامی

وجه تسمیه این نظام واژه اتهام است؛ یعنی این‌که هر شخصی متهم خود را تحت تعقیب قرار می‌دهد و تنظیم مجادله‌های دادرسی از سوی تعقیب‌کننده انجام می‌شود.<sup>۷</sup> مهم‌ترین خصایص نظام اتهامی سنتی رایج در گذشته عبارت بودند از: نخست لزوم طرح شکایت از سوی بزه‌دیده.<sup>۸</sup> ویژگی دوم نظام اتهامی را می‌توان علنی بودن رسیدگی‌ها دانست. به این معنا که محاکمه در محل‌های بزرگ و شناخته‌شده شهر، صورت می‌گرفت تا هرکس که مایل باشد در جلسه محاکمه شرکت کند. از شفاهی بودن رسیدگی‌ها می‌توان به‌عنوان خصیصه دیگر نظام اتهامی نام برد.<sup>۹</sup> و سرانجام ویژگی توافعی بودن رسیدگی‌ها در نظام اتهامی به معنای آن است که شاکی باید کلیه ادله موجود علیه متهم را تا جلسه دادرسی ارائه کند و مقام قضایی پس از سنجش ادله اقدام به صدور رأی نماید.<sup>۱۰</sup> (اضافه نمودن منبع جدید جهت تقویت رفرنس مقاله و بیان نظریات حقوقدانان خارجی) در ارزیابی نظام اتهامی مدرن به چند نکته باید اشاره نمود: اولاً نظام اتهامی در یک نگاه کلی مبتنی بر مکتب لیبرالیسم می‌باشد. در این نظام حقوق افراد به‌خوبی تأمین و رعایت گشته و جامعه و حاکمیت هیچ‌گونه حس برتری نسبت به افرادش نداشته تا به استناد آن بتواند حقوق افراد را پایمال نماید. ثانیاً هدف اصلی نظام اتهامی مدرن را می‌توان حل و فصل عادلانه دعاوی دانست. امروزه هم در نزد قضات نظام اتهامی مدرن مشاهده می‌گردد. به‌گونه‌ای که بازیگران اصلی پرونده‌ها، دادستان و متهم بوده و قضات

<sup>۵</sup> خالقی، آیین دادرسی کیفری، ۱۶۶.

<sup>۶</sup> منصورآبادی، عباس، فروغی، فضل‌الله، آیین دادرسی کیفری ۱، ۱۸۲.

<sup>۷</sup> مختاری، ارزیابی قضایی ادله اثبات دعوا، ۸۴.

<sup>۸</sup> آشوری، آیین دادرسی کیفری، ۳۳.

<sup>۹</sup> گلدوست جویباری، کلیات آیین دادرسی کیفری، ۲۴.

<sup>۱۰</sup> Hon. 2004. 352.

تنها به بررسی دلایل ارائه شده و نظارت بر حسن جریان رسیدگی مبادرت می‌ورزند.<sup>۱۱</sup> ثالثاً این نظام به دنبال کشف حقیقت به هر طریقی نیست. بر اساس همین مبنا پذیرش قاعده بطلان دلیل را سرلوحه کار خود قرار داده است. توضیح آنکه پذیرش قاعده بطلان دلیل اشاره دارد به آنکه چنانچه دلیل از راه غیرقانونی به دست آید، این دلیل نزد مراجع قضایی فاقد اعتبار است.<sup>۱۲</sup> (اضافه نمودن منبع جدید جهت تقویت رفرنس، شرح دیدگاه مقاله و بیان نظریات حقوقدانان کامن لا) رابعاً در نظام اتهامی به جهت فقدان مقام بازپرس، عمده تمرکز بر مرحله‌ی رسیدگی در دادگاه‌هاست. در واقع به محض آنکه دادستان دلایلی معقول جهت ارسال پرونده به دادگاه کشف کند از مقامات ذی‌ربط تقاضای ارسال پرونده را به دادگاه جهت رسیدگی می‌نماید. در واقع در نظام اتهامی مبنای ارسال پرونده جهت رسیدگی در دادگاه‌ها، ادله معقول است برخلاف نظام تفتیشی که مبنایش فراتر از هر شک معقول است.<sup>۱۳</sup>

### ۳) تحقیقات مقدماتی در کشورهای مبتنی بر نظام تفتیشی

از دیدگاه تاریخی نظام تفتیشی پس از نظام اتهامی در کشورهای اروپایی به‌ویژه از قرن چهاردهم پدید آمده است. با جایگزینی نظام‌های تفتیشی به جای نظام اتهامی، مفهوم «بازپرس» وارد عرصه آیین دادرسی کیفری می‌شود. مهم‌ترین ویژگی‌های نظام تفتیشی عبارت بودند از: نخست وجود مرجعی برای تعقیب و تقاضای محاکمه متهم صرف‌نظر از شکایت یا عدم شکایت بزه دیده. ویژگی دوم غیرعلنی بودن دادرسی بود و در نتیجه اشخاص ثالث که عنوان شاکی یا متهم بر آن‌ها صدق نمی‌کرد یعنی مردم عادی حق حضور در جلسه محاکمه و مشاهده جریان دادرسی را نداشتند. از کتبی بودن به‌عنوان ویژگی دیگر این نظام می‌توان نام برد. پیشرفت زمان و آشنایی قضات مذهبی با کتابت و بی‌سوادی عمومی مردم، در موفقیت این نظام نقش اساسی ایفا کرده است. ویژگی مهم دیگر این نظام غیر ترافیعی بودن رسیدگی‌ها بود؛ یعنی دادرسی به نبرد قضایی میان متهم و قاضی به‌عنوان نماینده جامعه تبدیل می‌شد. متهم از حقوق اندکی برای دفاع از خود برخوردار بود و نمی‌توانست از دلایل اتهام آگاه شود، در مقابل، قاضی از اختیارات زیادی برخوردار بود تا از متهم اقرار بگیرد و هر پرسشی را مطرح نماید. غیرعلنی و سپس محرمانه شدن دادرسی، ریشه در همین ویژگی داشت. در باب نظام تفتیشی باید اذعان نمود که اولاً این نظام به‌نوعی مبتنی بر مکتب سوسیالیسم یا جامعه‌گرایی است. در واقع در تضاد میان حقوق جامعه و افراد، کفه‌ی ترازو به نفع جامعه سنگینی کرده و جامعه این اختیار را برای خود قائل می‌شود تا برای حفاظت از خود، برخی از حقوق افراد را نقض نماید. به‌طور مثال در ایران که از قواعد نظام تفتیشی در مرحله تحقیقات مقدماتی استفاده می‌شود در تبصره ماده ۴۸ حق انتخاب آزادانه وکیل را از متهم در برخی از جرائم بر مبنای حمایت از منافع جامعه، سلب نموده است. ثانیاً

<sup>۱۱</sup> یوسفی، تحقیقات مقدماتی در آیین دادرسی کیفری، ۲۴.

<sup>۱۲</sup> Ferdico. 2009. 125. Del Carmen. 2008. 92.

<sup>۱۳</sup> فروغی، فضل اله، یوسفی، ایمان، «مرحله تصمیم‌گیری برای کفایت ادله اثباتی در الگوهای تحقیقات مقدماتی ایران و آمریکا»، ۱۵۰.

هدف اصلی نظام تفتیشی از رسیدگی به دعاوی، کشف حقیقت دانست، در واقع در این نظام حل و فصل دعاوی فرع بر کشف حقیقت است. ثالثاً نظام تفتیشی بر مبنای قاعده تحصیل آزاد دلایل استوار است. این به آن معناست که آنچه در پرونده و در مرحله تحقیقات مقدماتی جمع‌آوری شده است می‌تواند به‌عنوان دلیل علیه متهم مورداستفاده قرار گیرد، حتی اگر دلیل به شکل غیرقانونی تحصیل شده باشد. توجیه پذیرش کلیه دلایل علیه متهم در نظام تفتیشی بر مبنای همان هدف اصلی دستیابی به حقیقت صورت می‌گیرد؛ بنابراین اگر دلایل با نقض حریم خصوصی افراد و برخلاف قانون جمع‌آوری شده باشد، از آنجا که بازگوکننده حقیقت به حساب می‌آید، علیه متهم قابل استفاده است.

#### ۴) تحقیقات مقدماتی در کشورهای مبتنی بر نظام مختلط

نظام مختلط تلفیقی از دو نظام اتهامی و تفتیشی می‌باشد. بارزترین ویژگی نظام مختلط را می‌توان تفکیک مرحله تحقیقات مقدماتی از مرحله رسیدگی دانست، به‌گونه‌ای که در مرحله تحقیقات مقدماتی که نیاز به سرعت و دقت در جمع‌آوری دلایل و جلوگیری از محو آثار جرم بیشتر وجود دارد، از نظام تفتیشی پیروی شده است. در مقابل، پس از جمع‌آوری دلایل و در مرحله محاکمه در دادگاه، از نظام اتهامی و ویژگی‌های خاص آن پیروی شده است. در باب ارزیابی نظام مختلط می‌توان اذعان نمود که اولاً تفکیک مراحل تعقیب، تحقیق و رسیدگی از هم در راستای رعایت اصل بی‌طرفی از نقاط مثبت این نظام به حساب می‌آید. هرچند این تفکیک در برخی موارد در کشورهای پذیرنده این نظام رسیدگی، نقض می‌گردد. ثانیاً همان‌گونه که بیان گشت امروزه می‌توان با توجه به شناسایی حقوق عدیده برای متهم در مرحله تحقیقات مقدماتی قائل به پذیرش نظریه گرایش نظام تفتیشی به نظام اتهامی در مرحله تحقیقات مقدماتی شد. ثالثاً در این نظام ما شاهد یک تناقض ایدئولوژیک هستیم. به‌گونه‌ای که از یک سو با اضافه نمودن بازپرس در چرخه قضایی، درصدد تفکیک مراحل تعقیب از تحقیق در راستای رعایت اصل بی‌طرفی مقامات رسیدگی بوده و از سوی دیگر در برخی موارد اجازه داده تا دادستان به‌عنوان مقام تعقیب علاوه بر ورود در امر تحقیق، شأن قضایی هم داشته باشد.

#### ۵) نظام رسیدگی حاکم بر چرخه قضایی ایران

اولین قانون جامع در باب آیین دادرسی کیفری پس از انقلاب مشروطه مقتبس از قوانین فرانسه، قانون اصول محاکمات جزایی است که در سال ۱۲۹۱ هجری شمسی مورد تصویب قرار گرفت؛ که در واقع ترجمه و تلخیص قانون آیین دادرسی کیفری فرانسه است.<sup>۱۴</sup> پس از آن، در قانون اصول تشکیلات دادگستری مصوب سال ۱۳۰۷. ش که هنوز هم موادی از آن لازم اجراست، مرجع تعقیب تحت عنوان اداره مدعی‌العمومی و

<sup>۱۴</sup> عالمی، حقوق اساسی، ۲۲۷.

مقام تعقیب تحت عنوان مدعی‌العموم پیش‌بینی گردید. در ادامه‌ی سیر تکامل دادسرا در ایران، در اردیبهشت‌ماه ۱۳۱۷، رضاشاه پهلوی دستور تبدیل واژه‌های غیرفارسی به فارسی را صادر نمود.<sup>۱۵</sup> بر همین اساس عناوین اصول محاکمات جزایی، اداره مدعی‌العمومی و مدعی‌العموم، جای خود را به عناوین آیین دادرسی کیفری، دادسرا و دادستان دادند. نهاد دادسرا در تمامی ادوار بعد از مشروطه به‌عنوان بخشی از تشکیلات قضایی مملکت با همان قانون اولیه در معیت دادگاه‌های کیفری وجود داشت و صحبتی از انحلال دادسرا به عنوانی نهادی که به جهت رسیدگی دو مرحله‌ای دعاوی پرچم‌دار نظام مختلط بود، به میان نیامد. در سال ۱۳۵۷ با پیروزی انقلاب اسلامی همچنان دادسرا به‌مانند سال‌های پیش از آن به کار خود در چرخه‌ی تشکیلات قضائی ادامه می‌داد تا اینکه انتقاداتی از قبیل غیرشرعی دانستن نهاد دادسرا سرانجام موجبات حذف نهاد دادسرا را از چرخه قضایی ایران سبب گشت.<sup>۱۶</sup> اندک زمانی از حذف نهاد دادسرا از چرخه‌ی قضایی ایران نگذشته بود که مشکلات عدیده‌ای گریبان‌گیر نظام قضایی ایران شد. نهایتاً در تاریخ ۱۳۸۱/۷/۲۸ نهاد دادسرا در سیستم قضائی ایران احیا گردید.

#### ۶ تبیین مفهوم حقوق دفاعی

حقوق دفاعی از فربه‌ترین مباحث حقوق بشر است و در اسناد حقوق بشری متعدد بدان توجه شده است. با نگاه به اسناد حقوق بشری (به‌ویژه اعلامیه جهانی حقوق بشر و میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی) می‌توان گفت که حقوق دفاعی متهم صرفاً جهت محاکمه عادلانه و عدم تعرض به فرض بی‌گناهی پیش‌بینی شده است به‌نحوی که در ماده ۱۴ میثاق مشروح بدان اشاره گشته است.<sup>۱۷</sup> (شرح مبسوط تر در خصوص مفهوم و اهمیت حقوق دفاعی)

مفهوم حقوق دفاعی متهم به معنای امتیازات و امکاناتی است که در یک دادرسی منصفانه لازم است، متهم از آن برخوردار باشد تا بتواند در مقابل ادعایی که برخلاف فرض برائت، علیه او مطرح شده، در شرایط آزاد و انسانی از خود دفاع کند.<sup>۱۸</sup> مبنای رعایت حقوق دفاعی متهم را باید در اصل برائت جستجو نمود.<sup>۱۹</sup> لذا بر مبنای اصل برائت یا فرض بی‌گناهی برخی از بزرگان عالم حقوق معتقد هستند باید بر تقاضای گسترش وسیع حقوق دفاعی در تمامی مراحل از جمله مرحله تحت نظر تأکید و پافشاری

<sup>۱۵</sup> زرینی، حسین و هزبری، حسین، تاریخ معاصر دستگاه قضایی ایران و تحولات آن، ۲۵۷.

<sup>۱۶</sup> منتظری، شوشتری، روزنامه کیهان، ۵.

<sup>۱۷</sup> ماده ۱۴ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی: « همه در مقابل دادگاهها و دیوان‌های دادگستری متساوی هستند. هر کس حق دارد به این که به دادخواهی او منصفانه و علنی در یک دادگاه صالح مستقل و بیطرف تشکیل شده طبق قانون رسیدگی بشود و آن دادگاه درباره حقایق اتهامات جزائی علیه او یا اختلافات راجع به حقوق و الزامات او در مورد مدنی اتخاذ تصمیم بنماید.» جهت مطالعه بیشتر بنگرید به خواجوند، جعفری، ضمانت اجرای نقض موازین حقوق بشری مرتبط با متهم در حقوق کیفری، ۷۴۰.

<sup>۱۸</sup> امیدی، دکتر آشوری و حقوق دفاعی متهم، علوم جنایی (مجموعه مقالات)، ۲۲۵.

<sup>۱۹</sup> ساقیان، تحولات حق متهم برداشتن وکیل در مرحله تحت نظر در حقوق فرانسه و ایران، ۱۱۶.

نماییم.<sup>۲۰</sup> این بیان بر این اساس مبتنی است که به زعم حقوقدانان کامن لا موضوعی مهم‌تر از دادرسی، اجرای عدالت و قواعد شکلی وجود ندارد چراکه اگر اجرای عدالت ممکن نباشد، بر حقوق ماهوی فایده‌ای مترتب نیست. به تبع در چنین سیستمی حق افراد به برخورداری از یک دادرسی منصفانه نیز از اهمیتی ویژه برخوردار می‌شود.<sup>۲۱</sup> ( توضیح در خصوص چرایی علل گرایش حقوقدانان کامن لا در خصوص تاکید ویژه بر حقوق دفاعی) نگارنده در همین راستا سیاست‌های حاکم بر مبحث فوق‌العاده مهم ضمانت اجراهای حقوق دفاعی نزد مقنن ایرانی را مورد واکاوی قرار می‌دهد.

#### ۷) ضمانت اجرای نقض حقوق دفاعی در مرحله تحقیقات مقدماتی

برای اینکه حقوق بتواند به هدف خود، یعنی استقرار نظم عادلانه در روابط اجتماعی دست یابد، باید اجرای قواعد آن الزامی باشد. الزامی بودن قواعد حقوقی هم‌زمانی مفهوم پیدا می‌کند که دولت برای تخلف از قواعد الزامی حقوق، کیفر مناسب پیش‌بینی کرده باشد. اثری که دولت بر نقض قاعده حقوقی مترتب می‌سازد، ضمانت اجرا نامیده می‌شود که به حسب نوع قاعده و هدف آن متفاوت است.<sup>۲۲</sup> اصولاً قاعده‌ای را که اجرای آن تضمین نشده باشد نباید در شمار قواعد حقوقی آورد، زیرا اگر اشخاص در اجرای آن آزاد باشند و در برابر تخلف خود هیچ مکافاتی نبینند، نباید انتظار داشت که به آن پایبند باشند. وسایل اجبار قواعد حقوقی نیز گوناگون است، مانند بطلان اعمال حقوقی، مسئولیت مدنی، اجرای مستقیم قاعده توسط قوای عمومی و کیفر متجاوزان که در مجموع می‌توان این ضمانت اجراها را به حقوقی و کیفری تقسیم نمود.<sup>۲۳</sup>

بنابراین این امر بدیهی بوده که صرف اعلام حقوقی برای افراد جامعه از جمله متهم کفایت نمی‌کند و پیش‌بینی ضمانت اجرا برای رعایت آن‌ها ضرورت دارد، زیرا در نظر گرفتن حق برای متهم از یک‌طرف و قرار ندادن ضمانت اجرا برای عدم رعایت آن از طرف دیگر به معنای بی‌اثر و یا کم‌اثر بودن تصریح به حقوق متهم است، یعنی اگر تحقیقات همراه با حقوق دفاعی متهم با تحقیقات به‌دوراز رعایت آن‌ها، مساوی و یکسان باشند ممکن است منجر به تضییع حقوق متهم گردد، از این رو ضروری است که ضمن تصریح به حقوق اساسی اشخاص از جمله متهم در جریان دادرسی، ضمانت اجراهای لازم برای تضمین آن‌ها در نظر گرفته شود.<sup>۲۴</sup>

<sup>۲۰</sup> Kalmbreg.2013:705. Zapata. 2003: 96.

<sup>۲۱</sup> Thaman. 2012: 8.

<sup>۲۲</sup> حیاتی، مقدمه علم حقوق، ۲۸.

<sup>۲۳</sup> کاتوزیان، مقدمه علم حقوق، ۵۵.

<sup>۲۴</sup> باقروپور، «تضمینات قانونی و اساسی در دادرسی و تحقیقات مقدماتی»، ۳۴.

بطلان تحقیقات و دلایل ناشی از آن، مسئولیت کیفری، مدنی و انتظامی از جمله ضمانت اجرای است که قانون‌گذار به استناد آن‌ها، امکان نقض حقوق دفاعی شخص مظنون و متهم در مراحل تحت نظر و تحقیقات مقدماتی را توسط مقامات انتظامی یا قضایی به تناسب در برخی موارد محدود یا به‌طور کلی سلب نموده است.

#### ۸) بطلان تحقیقات مقدماتی در صورت نقض حقوق دفاعی شخص متهم

قاعده بطلان دلیل به معنای آن است که مشروع و قانون بودن دلیل به‌تنهایی برای ارائه آن به دادرسی کافی نیست و افزون بر آن، دلیل باید با رعایت قانون تحصیل و کسب‌شده باشد چراکه مهم‌ترین دلیل در اثبات یک واقعه مجرمانه، چنانچه در تحصیل آن، ضوابط قانونی و شرایط مقرر نادیده گرفته‌شده باشد، فاقد اعتبار تلقی می‌شود و چه‌بسا مسئولیت کیفری یا انضباطی برای تحصیل‌کننده آن، به دنبال داشته باشد. نظریه بطلان دلیل از یک‌سو، به دنبال تضمین رعایت قواعد دادرسی به منظور حمایت از منافع اصحاب دعوا به‌ویژه متهم است و از سوی دیگر، به دنبال پیشگیری از عدم رعایت این قواعد و واداشتن مجریان عدالت کیفری به تبعیت از آن‌هاست.<sup>۲۵</sup> قدمت قاعده بطلان در قوانین آیین دادرسی کیفری ایران بیش از یک قرن است. ماده ۳۶۸ قانون اصول محاکمات جزایی مصوب ۱۲۹۱ در باب قاعده بطلان بیان می‌داشت که: «هرگاه خود متهم نتواند وکیل انتخاب نماید محکمه به اجازه او یک نفر وکیل برای او انتخاب می‌نماید. سلب حق تعیین وکیل مدافع از متهم باعث بطلان حکم است.» البته هرچند ضمانت اجرای بطلان در ماده تنها شامل محکمه بود و مراحل تحت نظر و تحقیقات مقدماتی را در برنمی‌گرفت، اما بی‌شک اقدام قانون‌گذار در آن دوران نویدبخش این تفکر بود که سایر حقوق دفاعی متهم نیز مانند حق داشتن وکیل مورد توجه قرار گرفته و نهایتاً حقوق دفاعی متهم در فرآیند دادرسی به‌خوبی تأمین گردد. ۴۶ سال بعد از تصویب قانون اصول محاکمات جزایی، قانون‌گذار در لایحه قانونی اصلاح قسمتی از مواد قانون آیین‌نامه دادرسی کیفری مصوب ۱۳۳۷/۵/۱ در پی اصلاحات ساختاری در فصل ششم، ماده ۳۶۸ قانون اصول محاکمات جزایی را نسخ نمود و بر همین مبنا دیگر قاعده بطلان، ضمانت اجرای سلب حق وکیل به شمار نمی‌رفت. این روند تا سال ۱۳۷۰ ادامه داشت تا اینکه ماده‌واحد قانون انتخاب وکیل توسط اصحاب دعوی مجمع تشخیص نظام مقرر داشت که: «اصحاب دعوی حق انتخاب وکیل را دارند و کلیه دادگاه‌هایی که به موجب قانون تشکیل می‌شوند مکلف به پذیرش وکیل می‌باشند.» و مطابق تبصره ۲ ماده‌واحد مزبور: «هرگاه به تشخیص دیوان عالی کشور محکمه‌ای حق گرفتن وکیل را از متهم سلب

<sup>۲۵</sup> تدین، «نظریه بطلان دلیل در فرآیند دادرسی کیفری (با تأکید بر حقوق فرانسه)»، ۷۶.

نماید حکم صادره فاقد اعتبار قانونی بوده و برای بار اول موجب مجازات انتظامی درجه ۳ و برای مرتبه دوم موجب انفصال از شغل قضایی می‌باشد.» بدین ترتیب، طبق این ماده واحده دوباره سلب حق داشتن وکیل در فرآیند کیفری ضمانت اجرای بطلان را در پی داشت. پس از کش و قوس‌های فراوان قوانین مرتبط با قاعده بطلان در باب تضمین حقوق دفاعی متهم، تبصره ۱ ماده ۱۹۰ قانون آیین دادرسی کیفری ۹۲ مقرر داشت که: «سلب حق همراه داشتن وکیل یا عدم تفهیم این حق به متهم موجب بی‌اعتباری تحقیقات می‌شود.» این اقدام قانون‌گذار را می‌توان رنسانسی در حمایت از حقوق دفاعی متهم تلقی نمود. تبصره مذکور در حمایت از حقوق دفاعی متهم گوی سبقت را از ماده ۳۶۸ قانون اصول محاکمات جزایی ربوده است. تکلیف بازپرس به تفهیم حق داشتن وکیل و ضمانت اجرای بطلان در صورت عدم انجام این وظیفه، به خوبی نشان می‌دهد که قانون‌گذار به درستی متوجه نقش و جایگاه وکلا در پروسه‌ی دادرسی شده بود؛ اما این بار نه ۴۶ سال که کمتر از ۲ سال از تصویب ضمانت اجرای بطلان نگذشته بود که قانون‌گذار در پی اصلاحیه قانون آیین دادرسی کیفری ۹۲ در تاریخ ۱۳۹۴/۳/۲۴ مجازات‌های انتظامی درجه ۸ و ۳ را به ترتیب در صورت سلب حق داشتن وکیل و عدم تفهیم این حق به متهم<sup>۲۶</sup> جایگزین ضمانت اجرای بطلان نمود. فی الواقع اصلاحیه مذکور را باید پسرستی عظیم در تضمین حقوق دفاعی متهم به شمار آورد. به زعم نگارنده، عقب‌نشینی قانون‌گذار از مواضع حمایتی که بیش از یک قرن پیش برای رعایت حقوق دفاعی متهم لحاظ می‌شده است، در این برهه زمانی که تمامی نهادهای حقوق بشری اشاره به حقوق و امتیازات گوناگون برای اشخاص متهم دارد، فاقد هرگونه توجیه منطقی و حقوقی می‌باشد. تبصره ماده ۴۵۵ قانون آیین دادرسی کیفری<sup>۲۷</sup> به همراه بند (ب) ماده ۲۸۴<sup>۲۸</sup> این قانون، به صراحت نشان از آن دارد که قانون‌گذار از بطلان قضایی در مقابل بطلان قانونی حمایت کرده است. حمایت قانون‌گذار از قاعده بطلان قضایی به معنای آن است که شخص متهم باید اثبات نماید که اولاً یکی از حقوق دفاعی او در مراحل مختلف دادرسی نقض گردیده و ثانیاً اثبات نماید که نقض آن حق به درجه‌ای از اهمیت بوده که بتواند موجبات بی‌اعتباری تحقیقات یا احکام را سبب گردد، درحالی‌که در بطلان قانونی به صرف اثبات نقض حقوق دفاعی، ما شاهد بی‌اعتباری تحقیقات می‌باشیم.<sup>۲۹</sup> در حقیقت قانون‌گذار با پذیرش بطلان

---

<sup>۲۶</sup> تبصره اصلاحی در سال ۱۳۹۴/۳/۲۴ مقرر داشت که: «(سلب حق همراه داشتن وکیل و عدم تفهیم این حق به متهم به ترتیب مجازات انتظامی درجه هشت و سه است.

<sup>۲۷</sup> عدم رعایت تشریفات دادرسی، موجب نقض رای نیست، مگر آنکه تشریفات مذکور به درجه ای از اهمیت باشد که موجب بی‌اعتباری رای شود.

<sup>۲۸</sup> هرگاه رای مخالف قانون، یا بدون توجه به ادله و مدافعات طرفین صادر شده باشد یا رعایت تشریفات قانونی نشده و آن تشریفات به درجه ای از اهمیت باشد که موجب بی‌اعتباری رای شود، شعبه دیوان عالی کشور، رای را نقض می‌کند.

<sup>۲۹</sup> تبصره یک ماده ۱۹۰ قانون آیین دادرسی کیفری ۹۲ که ناخوشبختانه در سال ۹۴ اصلاح گردید یکی از موارد بطلان قانونی به حساب می‌آمد. متبصره مذکور پیش از اصلاح مقرر می‌داشت: «سلب حق همراه داشتن وکیل یا عدم تفهیم این حق به متهم موجب بی‌اعتباری تحقیقات می‌شود.»

قضایی، بار اثبات بی‌اعتباری تحقیقات یا احکام را بر دوش متهمین گذاشته است. در حقوق آمریکا قاعده بطلان تحقیقات و دلایل تحت عنوان دو تئوری «بطلان دلیل» و «تئوری میوه درخت مسموم»<sup>۳۰</sup> پیش‌بینی شده است. قاعده نخست، بی‌اعتباری دلیل اولیه و مستقیم ناشی از نقض مقررات را شامل می‌شود و تئوری دوم به این موضوع اشاره می‌کند که هرگاه دلیل نخستین (درخت) به صورت غیرقانونی کسب شده باشد، دلیل متعاقب (میوه) منبعث از دلیل اول نیز غیرقابل قبول است.<sup>۳۱</sup> به‌طورکلی دلایل و ادله‌ای که با نقض حقوق دفاعی به دست آمده باشد در محاکم آمریکا نمی‌تواند در زمره ادله مورد قبول قرار گیرد.<sup>۳۲</sup> به دیگر سخن واضعین قوانین در آمریکا معتقدند که نمی‌توان جهت کشف حقیقت و محکومیت افراد متوسل به حربه‌های غیرقانونی شد.<sup>۳۳</sup> بعضی علت بیان این مدعا را کاهش یا سلب توان ضابطین قضایی از جمله مأمورین پلیس در کشف جرائم دانسته و معتقدند که پذیرش دلایل تحصیل شده برخلاف قانون، منجر به کاهش عدم رعایت قواعد و مقررات مربوطه توسط مجریان کشف حقیقت شده و این امر در نهایت اسباب نزول اعتبار نظام عدالت کیفری را سبب می‌گردد.<sup>۳۴</sup>

#### ۹) مجازات انتظامی در صورت نقض حقوق دفاعی شخص متهم

همه جوامع متکی به اصول و مقرراتی هستند که حافظ نظم و در نهایت بقای گروه یا اتحادیه صنفی و حرفه‌ای است. نقض این مقررات صنفی یا گروهی که اشخاص به تبع عضویت در گروه آن‌ها را می‌پذیرند، تخلف انتظامی و دارای ضمانت اجرای انتظامی یا اداری خواهد بود. واقع امر این است که قانون‌گذار با وضع مقررات خلافی که عموماً ناظر بر نظم و سازمان اجتماعی و مربوط به اشتغال بعضی مشاغل است، بیش از پیشگیری از آثار ناگواری که ممکن است بر اثر نادیده گرفتن این مقررات پدید آید، قصد دارد در مقام انتظام امور و سامان دادن به روابط و مناسبات کاری مردم، آنان را به تکلیفی که به این منظور بر عهده خواهند داشت واقف کند و چون رفتار یا فعل ناقض مقررات خلافی اغلب تجلی تقصیری است که فاعل در ادای تکلیف خود مرتکب شده است، جز به دلیل سلب یا اختلال در اراده، نیاز

<sup>۳۰</sup> تئوری میوه درخت مسموم اشاره به اینکه هرگاه دلیل نخستین (درخت) به صورت غیر قانونی کسب شده باشد، دلیل متعاقب (میوه) منبعث از دلیل اول نیز غیر قابل قبول می‌باشد. نظریه مذکور بر پایه این اصل استوار است که دلیل کسب شده غیر قانونی نمی‌بایست برای کسب ادله دیگر استفاده شود زیرا دلیل اصلی و اولیه که به صورت غیر قانونی کسب شده است، تمام ادله متعاقب را «لکه دار» می‌کند. دلیل دوم لکه دار را، برخی دادگاه‌ها «دلیل اشتقاقی» یا «دلیل ثانویه» نامیده‌اند. قاعده مذکور تنها به رد دلایلی که نتیجه مستقیم رفتار غیر قانونی پلیس است، مانند اقرار اجباری یا اشیاء ضبط شده در طول تفتیش غیر قانونی محدود نمی‌شود بلکه به رد دلایلی که به صورت غیر مستقیم به عنوان نتیجه نقض حقوق اساسی کسب شده‌اند نیز الزام می‌نماید. تئوری میوه درخت مسموم در اصل و منشا با اجرای قاعده‌درد دلیل نسبت به تفتیش‌های غیر قانونی توسعه یافته است.

<sup>۳۱</sup> موذن زادگان، مقدم، قاعده بطلان دلیل در دادرسی کیفری (با تاکید بر حقوق آمریکا)، ۲۴۴.

<sup>۳۲</sup> قاسمی مقدم، تفهیم حقوق متهمان از سوی ضابطان دادگستری: با تاکید بر قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲، ۱۴۸.

<sup>۳۳</sup> خان بابایی، بررسی تطبیقی حاکم بر دلایل معنوی کیفری در حقوق ایران و آمریکا، ۴۶.

<sup>۳۴</sup> Oakst. 1970. 668.

به اثبات تقصیر مرتکب نیست. در حقیقت تقصیر انتظامی عبارت است از «نقض قواعد خاصی گروه‌های کوچک اجتماعی یا حرفه‌ای بدون آنکه عمد یا سهوی در ارتکاب آن شرط باشد» فی الواقع تخلف انتظامی به آن دسته رفتارهایی گفته می‌شود که مطلقاً مجازات در پی داشته و مقید به اثبات تقصیر و نتیجه نمی‌باشد. به تعبیری دیگر تخلفات انتظامی فی نفسه تهدیدی علیه حقوق یا آزادی‌های دیگران به شمار می‌رود و نیازی نیست که حتماً ضرری مادی یا معنوی در پی داشته باشد و بر همین مبنا عمد یا حسن نیت یا جهل متخلف به حکم در میزان مسئولیت و مجازات او بی‌تأثیر است. قانون نظارت بر رفتار قضات مصوب ۱۳۹۲/۲/۲۵ از جمله قوانینی است که به تخلفات مقامات قضایی پرداخته و ضمانت اجرای آن‌ها با توجه به نوع تخلفات در نظر گرفته است. از جمله این تخلفات می‌توان به گزارش خلاف واقع و مغرضانه قضات نسبت به یکدیگر (بند ۱ ماده ۱۷)، خروج از بی‌طرفی در انجام وظایف قضائی (بند ۴ ماده ۱۷)، استنکاف از رسیدگی و امتناع از وظایف قانونی (بند ۵ ماده ۱۶)، رفتار خلاف شان قضایی<sup>۳۵</sup> (بند ۶ ماده ۱۷)، رعایت نکردن مقررات مربوط به صلاحیت رسیدگی اعم از ذاتی یا محلی (بند ۵ ماده ۱۵)، خارج کردن مستندات و لوایح طرفین از پرونده (بند ۳ ماده ۱۷)، اشاره نمود.<sup>۳۶</sup> یکی از تخلفات اساسی که قطعاً به‌زعم نگارنده می‌تواند به استناد تبصره ماده ۴۵۵ و بند (ب) ماده ۴۶۹ قانون آ.د.ک. سبب قاعده بطلان قضایی به دلیل عدم رعایت تشریفات اساسی گردد، محروم نمودن متهم از حق داشتن وکیل توسط بازپرس است. بی‌شک بر کسی پوشیده نیست که محروم نمودن متهم از حق داشتن وکیل می‌تواند شائبه عدم رعایت عدالت و انصاف را به‌شدت افزایش دهد. به همین جهت نگارنده معتقد است که قانون‌گذار سریعاً باید ضمانت اجرای مناسبی همچون بطلان را در کنار مجازات انتظامی، جهت رعایت هر چه بهتر حقوق دفاعی متهم در مرحله تحقیقات مقدماتی، قرار دهد.

#### ۱۰) مجازات کیفری در صورت نقض حقوق متهم

یکی دیگر از تدابیر تضمین‌کننده حقوق دفاعی متهم، اعمال مجازات‌های کیفری است. در حقیقت قانون‌گذار به وسیله اهرم فشار کیفر، قصد دارد تا از نقض حقوق دفاعی مظنونین و متهمین، توسط ضابطین و مقامات قضایی جلوگیری نماید. در همین راستا قانون اساسی به‌عنوان پاسدار حقیقی، حقوق تمامی افراد جامعه در فصل سوم خود تحت عنوان حقوق ملت در جهت حمایت از حقوق افراد مقرر می‌دارد که: «حیثیت، جان، مال، حقوق، مسکن و شغل اشخاص از تعرض مصون است مگر در مواردی

<sup>۳۵</sup> رفتار خلاف شان قضائی عبارت است از انجام هر گونه عملی که در قانون، جرم عمدی شناخته می‌شود و یا خلاف عرف مسلم قضات است به نحوی که قضات آن را مذموم بدانند. (تبصره ماده ۱۷)

<sup>۳۶</sup> جهت مشاهده مجازات‌ها و همچنین سایر تخلفات در نظر گرفته‌شده: رجوع نماید به قانون نظارت بر رفتار قضات مصوب ۱۳۹۲/۲/۲۵

که قانون تجویز کند.» لازم به ذکر است که ضمانت اجرای اصل مذکور، ماده ۵۷۰ (۸۰۱)<sup>۳۷</sup> قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ می‌باشد. قانون مجازات اسلامی ۹۲ هم در فصل دهم از کتاب پنجم موضوع «تقصیرات مقامات و مأموران دولتی» را مطرح نموده است. اغلب مواد این فصل از قانون مجازات اسلامی که در بردارنده تضمینات حقوق و آزادی‌های افراد می‌باشد و از سوی قانون‌گذار برای آن ضمانت اجرا تعیین شده است، عبارت‌اند از ممانعت یا خودداری از رسانیدن تظلمات محبوسین به مقامات صالح<sup>۳۸</sup>، بازداشت غیرقانونی<sup>۳۹</sup>، اخذ اقرار به شکنجه<sup>۴۰</sup>، هتک حرمت منازل<sup>۴۱</sup>، هتک حرمت مراسلات و مخابرات<sup>۴۲</sup>، تعدیات مالی مأموران<sup>۴۳</sup>، حبس یا توقیف غیرقانونی<sup>۴۴</sup>. از سوی دیگر بر اساس ماده ۶۳ قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲، عدم تفهیم حقوق متهمان از سوی ضابطان دادگستری، جرم محسوب می‌شود و آن دسته از ضابطان دادگستری که وظایف قانونی مقرر در ماده ۵۲ این قانون در خصوص تفهیم حقوق متهمان را انجام ندهند، به مجازات کیفری سه ماه تا یک سال انفصال از خدمات دولتی محکوم می‌شوند. انفصال از خدمات دولتی که در ماده فوق به‌عنوان ضمانت اجرای تکلیف مقرر برای ضابطان تعیین گردیده، در قوانین کیفری در شمار یکی از مجازات کیفری آمده است؛ بنابراین باوجود استفاده از کلمه «تخلف» در صدر ماده ۶۳، نقض مقررات مندرج در مواد یادشده، جرم بوده و در صلاحیت مرجع قضایی است و از آنجا که مرتکبین این تخلفات، ضابط دادگستری بوده در مقام ضابط مرتکب جرم شده‌اند، مراجع عمومی (دادسرای عمومی و انقلاب و دادگاه کیفری ۲) قابل تعقیب و محاکمه خواهند بود. ناخوشبختانه در ماده فوق‌الذکر برای آن دسته از ضابطان دادگستری که عدم تفهیم حقوق متهمان را از سوی آنان همراه با سو نیت و قصد اضرار بوده مجازات شدیدتری در نظر گرفته نشده است. همچنین می‌توان برای رفتاری که عملاً موجب ایراد ضرر شده و رفتاری که ضرری را برای متهم در پی نداشته است، مجازات‌های قانونی متفاوتی را در نظر گرفت.

---

<sup>۳۷</sup> ماده ۵۷۰ قانون تعزیرات و مجازات‌های بازدارنده ۱۳۷۵ که با توجه به تغییرات صورت گرفته در قانون مجازات اسلامی ۹۲ و افزایش مواد آن به ماده ۸۰۱ تغییر یافت. ماده بیان می‌دارد: هر یک از مقامات و مامورین وابسته به نهادها و دستگاه‌های حکومتی که برخلاف قانون، آزادی اشخاص افراد ملت را سلب کند یا آنان را از حقوق مقرر در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران محروم نماید علاوه بر انفصال از خدمت و محرومیت یکتا پنج سال از مشاغل حکومتی به حبس از دو ماه تا سه سال محکوم خواهد شد.

<sup>۳۸</sup> ماده ۵۷۲ (۸۰۳) قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲

<sup>۳۹</sup> ماده ۵۷۵ (۸۰۶) قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲

<sup>۴۰</sup> ماده ۵۷۸ (۸۰۹) قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲

<sup>۴۱</sup> ماده ۵۸۰ (۸۱۱) قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲

<sup>۴۲</sup> ماده ۵۸۲ (۸۱۳) قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲

<sup>۴۳</sup> ماده ۵۸۱ (۸۱۲) قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲

<sup>۴۴</sup> ماده ۵۸۳ (۸۱۴) قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲

## ۱۱) مجازات مدنی در صورت نفض حقوق دفاعی شخص متهم

مسئولیت مدنی حربه دیگر قانون‌گذار در جهت کنترل قدرت ضابطان دادگستری و مقامات قضایی می‌باشد. در حقیقت هر عقل سلیمی حکم می‌کند که هر کس به دیگری ضرری وارد آورد، باید آن را جبران نماید. بی‌شک ضابطان دادگستری و مقامات قضایی هم در صورت ایراد خسارت بر افراد مظنون و متهم محکوم به جبران ضرر و زیان وارده می‌باشند. قانون اساسی به‌عنوان پاسدار حقیقی حقوق تک، تک افراد جامعه در اصل ۱۷۱ در باب جبران ضرر و زیان بر افراد بیان می‌دارد: «هرگاه در اثر تقصیر یا اشتباه قاضی در موضوع یا در حکم یا در تطبیق حکم بر مورد خاص، ضرر مادی یا معنوی متوجه کسی گردد، در صورت تقصیر، مقصر طبق موازین اسلامی ضامن است و در غیر این صورت خسارت به‌وسیله دولت جبران می‌شود و در هر حال از متهم اعاده حیثیت می‌گردد.» همان‌گونه که مشاهده می‌شود اصل مذکور تنها اشاره به مسئولیت مدنی شخص قاضی داشته و در باب ضابطین و مقامات قضایی داسرا صحبتی به میان نیاورده است. عنوان «قاضی»، شامل تمامی قضات اعم از قضات دادگاه‌های بدوی، تجدیدنظر، دیوان عالی کشور، قضات دادگاه انقلاب، دادگاه‌های نظامی و دادگاه ویژه روحانیت، دادستان‌ها و معاونان ایشان و بازپرس‌ها و دادیاران نیز می‌گردد.<sup>۴۹</sup> فارغ از تفسیر اصل در باب مقامات مورد تصریح آن، در خصوص قیود تقصیر و اشتباه باید دانست که اولاً تفاوت عمده تقصیر و اشتباه، تخطی همراه با عمد است ثانیاً تقصیر عبارت است از تجاوز و تخطی عمدی از وظیفه‌ای که در قوانین برای فرد موظف مقرر شده است. ثالثاً منظور از اشتباه، خطاهایی است که بدون قصد اضرار و عمد روی می‌دهند و ناشی از بی‌احتیاطی یا بی‌مبالاتی فاحش (تقصیر سنگین) نیست و مسئولیت آن بر عهده دولت است. رابعاً عواملی محتملی که قاضی را در رسیدگی و صدور حکم به اشتباه می‌اندازد در دو فرض قابل‌بحث است: نخست، عوامل مرتبط با نقایص کلی ناشی از قانون یا سازمان‌دهی کلی دستگاه قضایی، دوم، عوامل مربوط به تخلفات و سهل‌انگاری‌های کارمندان و مأموران که اسباب و لوازم و مقدمات پرونده را فراهم کرده و در نتیجه موجب اشتباه قاضی می‌شوند. خامساً اصل مذکور با مقایسه با ماده ۱۱ قانون مسئولیت مدنی، از یک‌طرف دامنه‌ی مسئولیت قاضی را به‌عنوان کارمند دولت (به معنای عام) کاهش داده و به‌جای آن که قاضی مسئول هرگونه خسارت ناشی از تقصیر خود باشد فقط در صورت تقصیر عمدی یا در حکم عمد «تقصیر سنگین» ضامن دانسته شده و در غیر این دو فرض، مسئولیت بر عهده او نیست. از طرف دیگر، دامنه‌ی مسئولیت دولت را افزایش داده و مسئولیت اشتباهات قاضی که تقصیر عمدی یا در حکم عمد نباشد را بر

<sup>۴۹</sup> صالحی مازندرانی، تاملی بر مسئولیت مدنی قاضی در اصل ۱۷۱ قانون اساسی، فصلنامه حقوق اسلامی، ۱۳۹.

عده‌ی دولت قرار داده است.<sup>۴۶</sup> ماده ۷ قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲.<sup>۴۷</sup> دیگر جای هیچ‌گونه شک و شبهه را از لحاظ مقامات دارای مسئولیت مدنی باقی نگذاشته و با صراحت تمام، قائل به وجود این ضمانت اجرا برای حفاظت از حقوق متهم در کلیه مراحل رسیدگی شده است. از دیگر قوانین در باب مسئولیت مدنی ضابطین و مقامات قضایی می‌توان به تبصره ماده ۱۴۵ قانون آ.د.ک. اشاره نمود که: «در صورتی که در اجرای این ماده<sup>۴۸</sup>، خسارت مادی وارد شود و به موجب تصمیم قطعی، قرار منع یا موقوفی تعقیب و یا حکم برائت صادر شود، همچنین مواردی که امتناع کننده، شخص مجرم نباشد حتی اگر موضوع به صدور قرار جلب به دادرسی یا محکومیت متهم منجر شود، دولت مسئول جبران خسارت است، مگر آنکه تقصیر بازپرس یا سایر مأموران محرز شود که در این صورت، دولت جبران خسارت می‌کند و به بازپرس و یا مأموران مقصر مراجعه می‌نماید.» از دیگر موادی که در جهت حفظ حقوق دفاعی متهم قائل به مسئولیت مدنی برای ضابطین و مقامات قضایی شده، می‌توان به ماده ۲۵۵<sup>۴۹</sup> البته با رعایت شرایط مقرر در ماده ۲۵۶<sup>۵۰</sup> قانون آیین دادرسی کیفری اشاره داشت. همچنین ماده ۵۱۸<sup>۵۱</sup> قانون فوق، یکی از مصادیق تقصیر سنگین، قاضی را که منتج به بازداشت بیش از میزان مقرر در حکم گردد بیان کرده و قاضی را ملزم به جبران خسارت ناشی از آن نموده است. بند ۶ ماده ۶ قانون نظارت بر رفتار قضات ۱۳۹۰ در باب آیین دادرسی شکایت از مقامات قضایی بیان می‌دارد: «اظهار نظر در خصوص اشتباه

<sup>۴۶</sup> رضواندی، بررسی تطبیقی مسوولیت مدنی قاضی، ۱۴۲.

<sup>۴۷</sup> ماده ۷ قانون آیین دادرسی کیفری مقرر می‌دارد: در تمام مراحل دادرسی کیفری، رعایت حقوق شهروندی مقرر در ((قانون احترام به آزادی‌های مشروع و حفظ حقوق شهروندی مصوب ۱۳۸۳/۲/۱۵)) از سوی تمام مقامات قضایی، ضابطان دادگستری و سایر اشخاصی که در فرایند دادرسی مداخله دارند، الزامی است. متخلفان علاوه بر جبران خسارت وارده، به مجازات مقرر در ماده (۵۷۰) قانون مجازات اسلامی (تعزیرات و مجازات‌های بازدارنده) مصوب ۱۳۷۵/۳/۲ محکوم می‌شوند، مگر آنکه در سایر قوانین مجازات شدیدتری مقرر شده است.

<sup>۴۸</sup> ماده ۱۴۵ قانون آیین دادرسی کیفری مقرر می‌دارد: در صورتی که متصرف منزل و مکان و یا اشیای مورد بازرسی، از باز کردن محل‌ها و اشیای بسته خودداری کند، بازپرس می‌تواند دستور بازگشایی آن‌ها را بدهد، اما تا حد امکان باید از اقداماتی که موجب ورود خسارت می‌گردد، خودداری شود.

<sup>۴۹</sup> ماده ۲۵۵ قانون آیین دادرسی کیفری مقرر می‌دارد: اشخاصی که در جریان تحقیقات مقدماتی و دادرسی به هر علت بازداشت می‌شوند و از سوی مراجع قضایی، حکم برائت یا قرار منع تعقیب در مورد آنان صادر شود، می‌توانند با رعایت ماده (۱۴) این قانون خسارت ایام بازداشت را از دولت مطالبه کنند.

<sup>۵۰</sup> ماده ۲۵۶ قانون آیین دادرسی کیفری مقرر می‌دارد: در موارد زیر شخص بازداشت‌شده مستحق جبران خسارت نیست: الف- بازداشت شخص، ناشی از خودداری در ارائه اسناد، مدارک و ادله بی‌گناهی خود باشد، ب- به منظور فراری دادن مرتکب جرم، خود را در مظان اتهام و بازداشت قرار داده است، پ- به هر جهتی به ناحق موجبات بازداشت خود را فراهم آورده باشد، ت- همزمان به علت قانونی دیگر بازداشت باشد.

<sup>۵۱</sup> ماده ۵۱۸ قانون آیین دادرسی کیفری مقرر می‌دارد: قاضی اجرای احکام کیفری مکلف است دستور تعیین وقت پرونده محکوم به حبس را به گونه ای صادر کند که حداقل ده روز پیش از اتمام مدت حبس، پرونده تحت نظر قرار گیرد تا با تعیین تاریخ اتمام مدت حبس محکوم علیه، دستور آزادی وی را در تاریخ یادشده صادر و به زندان اعلام کند. رئیس زندان نیز مکلف است پس از اتمام مدت حبس چنانچه محکوم علیه به اتهام دیگری در بازداشت نباشد، فوری برای آزادی زندانی اقدام نماید و نتیجه اقدامات را بلافاصله به قاضی اجرای احکام کیفری اعلام کند. تبصره ماده: در صورتی که تخلف از این ماده منجر به حبس بیش از مدت مقرر در رای گردد، قاضی اجرای احکام کیفری علاوه بر محکومیت انتظامی تا درجه چهار، طبق مواد (۱۴) و (۲۵۵) این قانون مسوول پرداخت حبس اضافی به محکوم علیه است.

یا تقصیر قاضی موضوع اصل یکصد و هفتاد و یکم قانون اساسی و ماده (۳۰) این قانون در صلاحیت دادگاه عالی است.» در ماده ۳۰ قانون مذکور آمده است: «رسیدگی به دعوی جبران خسارت ناشی از اشتباه یا تقصیر قاضی موضوع اصل یکصد و هفتاد و یکم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران در صلاحیت دادگاه عمومی است. رسیدگی به دعوی مذکور در دادگاه عمومی منوط به احراز تقصیر یا اشتباه قاضی در دادگاه عالی است.»<sup>۵۲</sup> النهایه نگارنده معتقد است که هر چند ضمانت اجراهای در نظر گرفته شده جهت حفظ حقوق دفاعی متهم در دو مرحله تحت نظر و تحقیقات مقدماتی، از خودسری و خودکامگی ضابطین و مقامات قضایی کاسته و یک دادرسی عادلانه و منصفانه را سبب گشته است، اما عملکرد قانون گذار در برخی موارد به زعم نگارنده خالی از اشکال نیست. به طور نمونه قانون گذار به جز در مواد<sup>۳۶</sup>،<sup>۶۰</sup> و<sup>۱۱۵</sup> قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲، قائل به بطلان قانونی به عنوان ضمانت اجرای قوی در دو مرحله تحت نظر و تحقیقات مقدماتی نشده است و با تکیه بر بطلان قضایی، بار اثبات این امر که نقض حقوق دفاعی متهم سبب عدم رعایت تشریفات اساسی یک دادرسی عادلانه را شده است، بر عهده‌ی شخص متهم با توجه به تبصره ماده ۴۵۵ و بند (ب) ماده ۴۶۹ نهاده است. ( بنا به درخواست داوران محترم، نگارنده قسمت اعظم مقاله را دوباره بازنویسی که حاصل آن اضافه شدن مطالب فوق الذکر و حذف آن قسمت های از مقاله که بیشتر به شرح و بررسی حقوق دفاعی مندرج در قوانین پرداخته بود. در واقع مقاله هم اکنون بر ضمانت اجراهای حقوق دفاعی متمرکز است تا حقوق دفاعی مندرج در قوانین)

---

<sup>۵۲</sup> ماده ی ۲۴ آیین‌نامه‌ی اجرایی قانون نظارت بر رفتار قضات مصوب ۱۳۹۳ قوه‌ی قضاییه

<sup>۵۳</sup> ماده ۳۶ قانون آیین دادرسی کیفری: گزارش ضابطان در صورتی معتبر است که بر خلاف اوضاع و احوال و قرائن مسلم قضیه نباشد و براساس ضوابط و مقررات قانونی تهیه و تنظیم شود.

<sup>۵۴</sup> ماده ۶۰ قانون آیین دادرسی کیفری: در بازجویی‌ها اجبار یا اکراه متهم، استفاده از کلمات موهن، طرح سوالات تلقینی یا اغفال‌کننده و شوالت خارج از موضوع اتهام ممنوع است و اظهارات متهم در پاسخ به چنین سوالاتی و همچنین اظهاراتی که ناشی از اجبار یا اکراه است، معتبر نیست. تاریخ، زمان و طول مدت بازجویی باید اوراق صورت مجلس قید شود و به امضاء یا اثرانگشت متهم برسد.

<sup>۵۵</sup> ماده ۱۱۵ قانون آیین دادرسی کیفری: نوشتن بین سطور، قلم خوردگی و تراشیدن کلمات در اوراق بازجویی و تحقیقات ممنوع است. اگر یک یا چند کلمه اضافه گردد باید بر روی آن خط نازکی کشیده و این موضوع قید شود و بازپرس و شخصی که تحقیق از او به عمل می‌آید، آن را امضاء کنند. همچنین اگر یک یا چند کلمه از قلم افتاده و در حاشیه نوشته شود، اشخاص یادشده باید زیر آن را امضاء کنند. هر گاه این ترتیب رعایت نشود، کلمات و خطوط مزبور فاقد اعتبار است. رعایت مقررات این ماده در تمام مراحل دادرسی از سوی مقامات قضایی و ضابطان دادگستری الزامی است. در صورت قلم خوردگی جزئی، موضوع باید در ذیل برگه توضیح داده شده و به امضای اشخاص فوق برسد.

نتیجه‌گیری (تقویت نتیجه‌گیری با توجه به اضافه نمودن انواع ضمانت اجراها در قوانین ایران، چرایی عدم گرایش به قاعده بطلان دلیل در نظام دادرسی ایران در صورت نقض حقوق دفاعی. ارائه پیشنهاد بر این مبنا که در اکثر موارد نقض حقوق دفاعی قاعده بطلان دلایل به عنوان ضمانت اجرا معرفی گردد. بیان چرایی علل گرایش به قاعده بطلان دلایل).

تحقیقات مقدماتی، حساس‌ترین مرحله از فرایند کیفری است، زیرا اولین مواجهه افراد متهم با دستگاه عدالت کیفری در این مرحله انجام می‌شود و اساس پرونده کیفری در این مرحله شکل می‌گیرد. لذا توجه به اصول دادرسی عادلانه در این مرحله از اهمیت بسیاری برخوردار است. الهه «عدالت» بر مبنای «عقلانیت» و «معنویت» محسوس و مستور در طینت طبیعت انسان، اقتضای برابری طرفین دعوا در برخورداری از حقوق برابر دفاعی را دارد. بی‌شک زیبنده عدالت نمی‌باشد که یک طرف دعوا تا بن دندان مسلح باشد و طرف دیگر مرافعه از ناچیزترین حقوق دفاعی انسانی محروم باشد. قانون‌گذار کیفری با بیان برخی حقوق دفاعی برای اشخاص مظنون و متهم در مراحل تحت نظر و تحقیقات مقدماتی و در نظر گرفتن ضمانت اجراهای از قبیل بطلان تحقیقات صورت گرفته، مجازات‌های کیفری، مدنی و انتظامی برای ناقضان حقوق دفاعی، گامی بلند در مسیر تحقق عدالت و تساوی سلاح طرفین منازعه بر داشته است. در این میان، نگارنده معتقد است اگر نقض حقوق دفاعی در مراحل تحت نظر و تحقیقات مقدماتی غالباً تحت لوای ضمانت اجراهای قوی همچون بطلان تحقیقات مقدماتی قرار نگیرد، بی‌شک ناقضان حقوق دفاعی، بیمی از اتلاف حقوق افراد در روند رسیدگی‌ها نداشته و اگر خواست ایشان از مسیر تضییع حقوق افراد مظنون و متهم بگذرد، به سبب فقدان اهرم فشاری قوی مبنی بر جلوگیری از تجاوز به حقوق افراد، بی‌شک برای متجاوزان، هدف، توجیه‌کننده وسیله تلقی شده و در این، کارزار نزاع، تنها افراد زیان‌دیده، اشخاص فاقد حقوق دفاعی مناسب هستند. باری، هرچند در نظر گرفتن انواع مجازات بر ناقضان حقوق دفاعی توسط مقنن، امری میمون و عاقلانه است اما به هیچ‌عنوان نمی‌تواند مستمسکی برای قانونی پنداشتن تحقیقات صورت گرفته باشد و عادلانه‌تر آن است که قانون‌گذار در هنگامه وضع قوانین بر این مهم توجه نماید که علاوه بر اعمال کیفر بر خاطیان و ناقضان حقوق دفاعی، تحقیقات حاصله را نیز فاقد اعتبار اثباتی قلمداد نماید. تأمل در قوانین و قواعد حاکم بر دادرسی‌های محاکم دستگاه قضایی جمهوری اسلامی ایران جز در برخی موارد نادر از جمله اقرار تحت شکنجه ما را بدین نتیجه رهنمون می‌سازد که واضعین قوانین در صورت نقض حقوق دفاعی تنها قائل بر اعمال کیفر بر ناقضان حقوق دفاعی بوده و کمتر قاعده مهم و مؤثر بطلان تحقیقات را مد نظر قرار داده‌اند که البته به نظر می‌رسد علت اتخاذ این

رویکرد را بتوان پذیرش حاکمیت ضوابط نظام رسیدگی تفتیشی در مرحله تحقیقات مقدماتی بیان نمود.

فهرست منابع (رفرنس های مقاله با توجه به تغییرات بنیادین مقاله از ۲۷ به ۳۵ افزایش یافت. در این میان برخی از منابع حذف گردید و در منابع نوین سعی شد تا منابع بیشتر بیانگر نظریات حقوقدانان سایر کشورها از جمله آمریکا و انگلستان باشد).

۱. آشوری، محمد، آیین دادرسی کیفری، جلد اول، چاپ هفدهم، تهران: انتشارات سمت، ۱۳۹۲.
۲. امیدی، جلیل، دکتر آشوری و حقوق دفاعی متهم، علوم جنایی (مجموعه مقالات)، تهران: نشر سمت، ۱۳۸۳.
۳. باقرپور، یوسف علی، «تضمینات قانونی و اساسی در دادرسی و تحقیقات مقدماتی»، فصلنامه بصیرت، ۳۴ (۱۳۸۳)، ۹۴-۱۲۵.
۴. تدین، عباس، «نظریه بطلان دلیل در فرایند دادرسی کیفری (با تاکید بر حقوق فرانسه)»، تحقیقات حقوقی آزاد، ۳ (۱۳۸۷)، ۷۶-۹۴.
۵. حیدری، الهام، «حقوق دفاعی متهم در دوران تحت نظر در قانون آیین دادرسی کیفری و بررسی تطبیقی با حقوق انگلستان»، فصلنامه دیدگاه‌های حقوق قضایی، ۷۱ (۱۳۹۴)، ۵۳-۲۷.
۶. حیاتی، عباس، مقدمه علم حقوق، تهران: نشر میزان، چاپ چهارم، ۱۳۸۹.
۷. خالقی، علی، نکته‌ها در قانون آیین دادرسی کیفری، نشر: مرکز مطالعات و پژوهش‌های حقوقی شهر دانش، ۱۳۹۶.
۸. خالقی، علی، آیین دادرسی کیفری، چاپ بیست و هفتم، تهران: شهر دانش، ۱۳۹۴.
۹. خان بابایی، سپیده، «بررسی تطبیقی حاکم بر دلایل معنوی کیفری در حقوق ایران و آمریکا»، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه علامه طباطبایی، ۱۳۹۵.
۱۰. خواجهوند، مظاهر، جعفری، مینا، «ضمانت اجرای نقض موازین حقوق بشری مرتبط با متهم در حقوق کیفری»، مجله حقوق پزشکی، ۵۶ (۱۴۰۰)، ۷۵۱-۷۳۸.
۱۱. روزنامه کیهان، پنجشنبه ۱۰ مرداد ۱۳۷۰ اظهارات حجت‌الاسلام منتظری معاون حقوقی وزارت دادگستری، روزنامه سلام، سه‌شنبه ۲ مرداد ۱۳۶۹، (اظهارات شوشتری وزیر دادگستری)
۱۲. زرینی، حسین، هژبریان، حسین، تاریخ معاصر دستگاه قضایی ایران و تحولات آن، جلد اول، انتشارات روزنامه رسمی، ۱۳۸۸.
۱۳. ساقیان، محمد مهدی، «تحولات حق متهم برداشتن وکیل در مرحله تحت نظر در حقوق فرانسه و ایران»، مطالعات حقوق کیفری و جرم‌شناسی، ۱ (۱۳۹۳)، ۱۸-۱۰۳.
۱۴. عالمی، شمس‌الدین، حقوق اساسی، تهران: نشر شکوه، چاپ اول، ۱۳۷۴.

۱۵. فروغی، فضل اله، یوسفی، ایمان، «مرحله تصمیم‌گیری برای کفایت ادله اثباتی در الگوهای تحقیقات مقدماتی ایران و آمریکا»، مجله مطالعات حقوقی دانشگاه شیراز، ۱ (۱۳۹۳)، ۱۷۸-۱۴۷.
۱۶. قاسمی مقدم، حسن، «تفہیم حقوق متهمان از سوی ضابطان دادگستری: با تاکید بر قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲»، پژوهشنامه حقوق کیفری، ۲ (۱۳۹۴)، ۱۵۳-۱۲۹.
۱۷. کاتوزیان، ناصر، مقدمه علم حقوق، تهران: شرکت سهامی انتشار، چاپ شصت و سوم، ۱۳۷۸.
۱۸. گلدوست جویباری، رجب، کلیات آیین دادرسی کیفری، تهران: نشر جنگل، ۱۳۸۸.
۱۹. منصورآبادی، عباس، فروغی، فضل اله، آیین دادرسی کیفری ۱، تهران: نشر میزان، ۱۳۹۶.
۲۰. مختاری، رحیم، ارزیابی قضایی ادله اثبات دعوا، چاپ اول، تهران: انتشارات مجد، ۱۳۹۲.
۲۱. موذن زادگان، حسنعلی، سهیل مقدم، سحر، قاعده بطلان دلیل در دادرسی کیفری (با تاکید بر حقوق آمریکا)، مطالعات حقوق کیفری و جرم‌شناسی، ۲ (۱۳۹۵) ۲۶۷-۲۴۴.
۲۲. قاسمی مقدم، حسن، تفہیم حقوق متهمان از سوی ضابطان دادگستری: با تاکید بر قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲، پژوهشنامه حقوق کیفری، ۲ (۱۳۹۴) ۱۵۳-۱۲۹.
۲۳. صالحی مازندرانی، محمد، تاملی بر مسئولیت مدنی قاضی در اصل ۱۷۱ قانون اساسی، فصلنامه حقوق اسلامی، ۷ (۱۳۸۴) ۱۶۰-۱۳۳.
۲۴. رضاوندی، بهنام، نجفی، عباس، بررسی تطبیقی مسوولیت مدنی قاضی، فصلنامه تعالی حقوق، ۲۱ (۱۳۹۶) ۱۶۲-۱۳۹.
۲۵. یوسفی، ایمان، تحقیقات مقدماتی در آیین دادرسی کیفری، چاپ اول، تهران: نشر جنگل، ۱۳۹۱.

منابع انگلیسی

26. Belanger. T. Symbolic Expression in the Courtroom: the Right to a Fair Trial Versus Freedom of Speech. Rev. 62.318.
27. Sanders. A. Young. Burton. M. 2010. Criminal justice. Oxford University Prees.
28. Willems. A. 2014. A Step Toward Global Assurance of Legal Aid. New Criminal Law Review: in International and Interdisciplinary Journal. Vol. 17.
29. Thaman. S. 2012. Exclusionary rules in comparative Law. Vol.20. Springer Science. Business Media.
30. Kalmbreg. M. 2013. Commentary on the Law of the International Criminal.
31. Zapata. S. 2003. Human rights in Internatinal criminal Proceeding. Oxford University Prees.
32. Ferdico. John. Christopher D 2009. Criminal procedure for the criminal professional. Tenth edition. Wadsworth cevgage learnig.
33. Del Carmen. Ronaldo. 2008. Criminal procedure: law and practice. Eight

- edition. Wadsworth Cengage Learning publishing.
34. Hon. R. The Role of International Arbitrator. *Arbitrator International* vol 20. 2004. A common Lawyers Response.
35. Oakst. Dallin. 1970. Studying the Exclusionary Rule in Search and Seizure. *The University of Chicago Law Review*. Vol 37.

## **Guarantee of compliance with defense rights in the preliminary investigation phase**

### **Abstract**

The stage of preliminary investigation is one of the most important stages of criminal proceedings in the systems governing lawsuits. This stage is very important because the most important reasons for committing a crime by the accused person will be studied during it, so the reasons studied in this stage can play a fundamental role in the fate of the case. In the first step, the writer tried to enumerate the types of legal systems governing the preliminary investigation stage in order to get a better understanding of the current system governing the preliminary investigation stage of the judicial system of the Islamic Republic of Iran. In the next step, the author believes that the criminal legislator in the Criminal Procedure Law approved in 1392 enumerates rights including the right to explain the charge, the right to announce the rights of the accused, the right to have a lawyer, the right to read and access the file, the right to inform the family, the right to medical examination and The right to remain silent during the preliminary investigation stage for the accused person has taken a long step towards justice. In the meantime, the lack of guarantee of appropriate executions, such as the invalidation of preliminary investigations in the assumption of non-compliance with the defense rights of the accused person by law enforcement and judicial authorities, has made it impossible to consider Iran's protective laws as the countries based on the common law system, supporting the accused person .

Keywords: preliminary investigation, defense rights, performance guarantee, accused persons, goddess of justice.

